

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی نظر مرحوم آخوند خراسانی در باب جبران ضعف سند با عمل مشهور

در دنباله‌ی بحث گذشته مرحوم آخوند خراسانی و محقق اصفهانی (اعلی الله مقامهما) مطلبی دارند. مرحوم آخوند در کفایه در خاتمه‌ی بحث انسداد - که معمولاً دیگر نه بحث انسداد رسائل خوانده می‌شود و نه انسداد کفایه؛ در حالی که مباحث خیلی مفیدی در بحث انسداد هست - مرحوم آخوند دو مطلب را به عنوان خاتمه ذکر می‌کند. در مطلب دوم این بحث را عنوان کردند که اگر ما برای اعتبار یک ظنی دلیل نداشتیم، حالا مثل شهرت فتوائیه یا شهرت عملیه، اگر برای اعتبار ظنی دلیل نداشتیم، و یا بر عدم اعتبارش دلیل داشتیم، مثل قیاس، ایشان این بحث را عنوان کردند که آیا عنوان جابریّت و موهنیت را می‌تواند پیدا کند یا نه؟ ایشان دائره‌ی بحث را در سه محور مطرح می‌کنند. در هر سه محور هم از حیث جابریّت و هم از حیث موهنیت، آنهم هم از نظر کبری و هم از نظر صغری، اگر سندی ضعیف باشد، و یک ظنی بر وفق آن سند قائم شود مثل شهرت عملیه یا شهرت فتوائیه، آیا عنوان جابریّت دارد؟ در سه محور یکی در مسئله سند، دوم در مسئله دلالت، و سوم در مقام ترجیح، اگر ظنی، دلیلی بر اعتبارش نداشتیم، آیا ظن می‌تواند در چنین مواردی عنوان جابریّت داشته باشد؟ اگر سند ضعیف باشد، جبران کند؛ و اگر دلالتی ضعیف باشد، دلالت را تقویت کند؛ یعنی اگر دلالتی به مرحله ظهور نرسیده، بگوییم چون مشهور از این روایت اینطور فهمیده‌اند، برایش ایجاد ظهور کند؛ هم‌چنین در مقام ترجیح احد المتعارضین علی الآخر، بگوییم دو دلیل وقتی تعارض کردند، اگر شهرت فتوائیه بر طبق احد الخبرین شد، آن خبر بر دیگری مقدم می‌شود؛ هم‌چنین در مسئله موهنیت، اگر سندی صحیح است، اما دیدیم مشهور از آن اعراض کردند، اعراض مشهور موهن باشد؛ اعراض مشهور کشف از این می‌کند که این ظهور، ظهور قابل استناد نیست.

مرحوم آخوند در خاتمه‌ی انسداد، بحث را به این صورت و خیلی وسیعتر از آنچه که ما در این چند روز به آن اشاره کردیم، مطرح کردند. بحث ما فقط در سند بود، اما ایشان هم بحث سند و هم بحث دلالت و هم ترجیح احد الخبرین بر خبر دیگر را عنوان کرده است. البته قبل از مرحوم آخوند، مرحوم شیخ در بحث انسداد، در امر ششم، این را عنوان فرموده است. از عبارت مرحوم شیخ استفاده می‌شود که عمل مشهور نه عنوان جابریّت دارد و نه عنوان موهنیت دارد. و عجیب این است که با اینکه در رسائل این مبنا را دارد، اما در فقه درست بر خلاف این عمل فرموده است؛ در فقه، هر جا سندی ضعیف است، می‌فرمایند **ینجبر بعمل الاصحاب** . عبارت شیخ این است **إذا بنینا علی عدم حجیت ظن أو علی عدم حجیت ظن المطلق** اگر ما بنا گذاشتیم بر اینکه ظنی حجیت ندارد یا گفتیم ظن مطلق حجت نیست **هل یترتب علیه آثار غیر الحجیه بالاستقلال** آیا غیر از حجیت بر این ظن، اثر دیگری بار می‌شود؟ مثل **کونه جابراً لضعف سند** أو **قصور دلالة جابر ضعف سند** باشد یا موجب قصور دلالت شود؟ أو **کونه موهناً لحجة أخرى** یا موهن حجت دیگری باشد؛ أو **کونه مرجح لاحد المتعارضین علی الآخر** و **مجمل القول** نظر شریف شیخ این است **إنّه كما یكون الاصل فی الظن عدم الحجیه کذلک الاصل فیہ عدم ترتب الآثار المذكورة من الجبر و الوهن والترجیح** می‌فرمایند همانطوری که اصل اولی به عنوان عدم الحجیه داریم، اصل در اینها هم این است که ظن غیر معتبر جابر

نیست؛ موهن نیست؛ مرجح نیست.

بعد از مرحوم شیخ، مرحوم آخوند تفصیل داده است. ایشان در صفحه‌ی 332 از کتاب کفایه چاپ آل البیت می‌فرمایند: بعید نیست که بگوییم ظن غیر معتبر جبران ضعف سند می‌کند؛ یعنی اگر مشهور آمدند به روایتی عمل کردند، ما می‌توانیم عمل مشهور را جابر ضعف سند قرار دهیم؛ اما بقیه‌ی موارد را نپذیرفتند. خصوصاً در این که اعراض مشهور موجب وهن یک دلیل شود، این را نپذیرفتند. سؤالی که یکی از آقایان کردند در باب منزوحات بئر، آنجا مسئله فهم مشهور از دلالت روایت است؛ یعنی تا زمان مرحوم علامه از عبارات روایات وجوب را فهمیده‌اند، بعد گفتند نه، اینها دلالت بر استحباب دارد؛ این غیر از آن است که بگوییم عمل مشهور جابر ضعف سند است. مرحوم آخوند عمل مشهور را جابر ضعف سند می‌دانند و ما هم همین را قبول کردیم؛ گفتیم عمل مشهور جابر ضعف سند است؛ اما فتوای مشهور اگر مطابق با دلالت یک روایت بود، می‌فرمایند این سبب نمی‌شود که بگوییم این به روایت ظهور می‌دهد؛ یا اگر فتوای مشهور بر خلاف ظاهر روایتی باشد، بگوییم این ظهور روایت را از بین می‌برد. همچنین اگر روایتی صحیح السند باشد، اگر مشهور اعراض کردند، اعراض مشهور نمی‌تواند قածح و موهن سند باشد. مرحوم آخوند مطلبی دارند که خیلی فنی است. در عبارت نهاية الدراية مرحوم محقق اصفهانی بحث را کبروی و صفروی مطرح کرده است و ما هم این‌طور بیان می‌کنیم؛ هرچند مرحوم آخوند این تقسیم را نکرده است. بحث کبروی‌اش این است که اگر خبری از حیث سند یا از حیث دلالت مشمول ادله‌ی حجیت خبر واحد نیست، مثل اینکه گفتیم خبر ضعیف مشمول ادله حجیت خبر واحد نیست؛ نه ادله تبعیدی شامل آن است و نه سیره عقلائی؛ باید ببینیم با انضمام یک ظن غیر معتبر مثل عمل مشهور، آیا خبری که تاکنون مشمول ادله حجیت نبوده، داخل در ادله حجیت می‌شود؟

می‌فرمایند: و مجمل القول فی ذلك أن العبرة فی حصول الجبران أو الرجحان بموافقه هو الدخول بذلك تحت دليل الحجة أو المرجحية الراجعة إلى دليل الحجة ملاک این است که **کما أن العبرة فی الوهن** از آن طرف اگر بخواهیم بگوییم اعراض مشهور موهن است، قածح است، می‌فرمایند: باید بگوییم این اعراض مشهور یا هر ظن غیر معتبری - اعراض مشهور یک مثال و مصداقی است از ظنون غیر معتبره - سبب می‌شود که این دلیل را از تحت ادله حجیت خارج کند یا سبب نمی‌شود؛ پس، ایشان می‌فرمایند: ملاک این است که اگر بخواهیم بگوییم فتوای مشهور جابر است یا مرجح است، باید ببینیم با این فتوای مشهور، این دلیل الآن داخل در ادله حجیت می‌شود یا نمی‌شود؟ اگر بخواهیم بگوییم اعراض مشهور قածح یا موهن است، باید ببینیم با اعراض مشهور، آیا این دلیل از تحت ادله حجیت خبر واحد خارج می‌شود یا نه؟ آن وقت ایشان می‌فرمایند: مجموعاً در باب حجیت خبر واحد سه مبنا وجود دارد. **مبنای اول**، وثوق مخبری است. وثوق مخبری یعنی ما کاری به متن روایت نداریم؛ ادله حجیت می‌گوید اگر راوی موثق است به آن عمل کن. **الخبر المظنون الصدور من حیث السند**؛ اگر این را گفتیم، ایشان می‌فرمایند: اگر مشهور عمل کردند به یک خبر ضعیف، با عمل مشهور به این خبر ضعیف، راوی ضعیف برای شما موثق نمی‌شود. پس، فایده‌ای ندارد.

مبنای دوم جایی است که وثوق به صدور روایت از امام(ع) پیدا کنیم، ولو سندش برای ما موثق نباشد. در اینجا خیلی به سند کار نداریم. بگوییم جایی که راوی ضعیف می‌آید خودش چیزی می‌گوید، اینجا وثوق به صدور خبر از امام نداریم؛ اما وقتی مشهور بر طبق این روایت فتوا داد، ما وثوق به صدور روایت از امام(ع) پیدا می‌کنیم؛ ظن به صدور پیدا می‌کنیم. طبق این مبنا روشن است که وقتی مشهور آمدند به روایتی عمل کردند، وثوق به صدور پیدا می‌کنیم. و ادله حجیت خبر واحد می‌گوید اگر خبری برای شما موثق الصدور بود، به آن عمل کنید. این می‌شود وثوق خبری. ما بحث وثوق مخبری و وثوق خبری را قبلاً گفتیم. جایی که ملاک خود راوی است، می‌گویند وثوق مخبری؛ و جایی که ملاک خبر است، می‌گویند وثوق خبری. ما الآن داریم حرف آخوند را مطرح می‌کنیم. نظر آخوند این است که عمل مشهور جابر ضعف سند است، منتها این را با «لا یبعد» آورده‌اند؛ اما عمل مشهور، در دلالت، هیچ اثری ندارد؛ نه در جابریّت و نه در موهنیت. حرف مرحوم آخوند این است که ما در مسئله‌ی دلالت، تابع ظهور هستیم؛ اگر روایتی ظهور در وجوب دارد، این که مشهور بیايند فتوای به استحباب بدهند، ایشان می‌فرمایند به درد نمی‌خورد. یا روایتی که ظهور ندارد و مجمل است، اگر مشهور به آن فتوا دادند، فتوای مشهور نمی‌تواند به

روایت ظهور بدهد. پس، از نظر کبری، ما باید بحث ادله حجیت خبر را ببینیم که نتیجه‌اش چیست؟

بحث دلالت را ببینیم که کجا ظهور وجود دارد و کجا ظهور وجود ندارد. مرحوم آخوند می‌فرماید: **فلا یبعد جبر ضعف السند فی الخبر بالظن بصدوره أو بصحة مضمونه** ایشان می‌فرمایند اگر ظن به صدور یا ظن به صحت مضمون خبر پیدا کردید، ضعف سند جبران می‌شود. ظن به صدور مثل شهرت عملیه، اگر مشهور بر طبق روایتی فتوا دادند، شهرت عملیه برای ما ظن به صدور روایت و صحت مضمون روایت می‌آورد؛ داخل در ادله حجیت خبر می‌شود. ادله حجیت می‌گوید آن خبری که موثق الصدور است، هرچند راوی‌اش هم ضعیف باشد، کافی است. این یک. بعد می‌فرماید: **وعدم (یعنی «لا یبعد» بر سرش در می‌آید) ولا یبعد عدم جبر ضعف الدلالة بالظن بالمراد ضعف دلالت با یک دلیل ظنی جبران نمی‌شود لاختصاص دلیل الحجية بالظهور فی تعیین المراد دلیل حجیت می‌گوید ظهور، در تعیین مراد حجیت دارد. والظن من أماره خارجية به لا یوجب ظهور اللفظ فیہ ظنی که از اماره خارجی است، مثل شهرت عملی، ظهور به روایت نمی‌دهد کما هو الظاهر.**

بعد می‌فرماید: **إلا فیما أوجب القطع ولو أجمالاً فاحتفاه بما كان موجباً لظهوره فیہ** مگر جایی که قطع پیدا کنیم؛ بگوییم حالا که مشهور از روایت این را فهمیدند، قطع پیدا می‌کنیم. در روایت قرینه‌ای بوده که ظهور در همان معنای مشهور دارد. این دو. بعد می‌فرماید: **وعدم وهن السند یعنی «لا یبعد عدم وهن السند» بالظن بعدم صدوره** اگر دیدیم مشهور از روایتی اعراض کردند، این موجب وهن سند نمی‌شود. پس، مرحوم آخوند از قائلین به تفصیل است. از کسانی است که عمل مشهور را جابر ضعف سند می‌دانند، اما اعراض مشهور را موهن و قاذح نمی‌دانند. **وكذا عدم وهن دلالتہ مع ظهوره** اگر روایت ظهور در معنایی داشت، و مشهور معنای دیگری کردند، این موجب وهن دلالت نمی‌شود. این بیان مرحوم آخوند. یک بیانی هم مرحوم محقق اصفهانی در جلد سوم نه‌ایة الدراية (چاپ آل البیت) صفحه 433 دارد که این را هم ان شاء الله فردا می‌گوییم. عرض کردم حیف بود که این بحث را با کلام مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی تکمیل نکنیم. و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.